

## محمد بن حنفیه و قیام کربلا

دکتر محمدعلی چلونگر

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

### چکیده

محمد بن حنفیه از شخصیت‌های علوی است که ابهامات و اشکالاتی در تاریخ زندگی وی به چشم می‌خورد. از جمله، علت شرکت نکردن او در قیام کربلا و عدم همراهی او با امام حسین(ع).

علما و رجال شناسان شیعه برای روشن ساختن این ابهام و در مقام دفاع از محمد بن حنفیه دلایلی را مطرح کرده‌اند. به اعتقاد اینان عدم شرکت ابن حنفیه از سر نافرمانی و مخالفت با امام(ع) نبوده و او در عدم همراهی با امام(ع) دلایل موجهی داشته است؛ از جمله:

۱. بیماری محمد بن حنفیه در موقع حرکت امام(ع) از مدینه و مکه.
۲. مأمور بودن محمد بن حنفیه از جانب امام(ع) برای ماندن در مدینه.
۳. مکلف نشدن محمد بن حنفیه از جانب امام حسین(ع) به شرکت در قیام و همراهی با آن حضرت.

دلایل مذکور مورد نقد و بررسی قرار گرفته و از نظر مؤلف گرچه محمد بن حنفیه از طرف امام به شرکت در قیام مکلف نشده، ولی عدم شرکت او در قیام امام شاید تخلف محسوب شده و وی به درجه‌ی «فتح» نایل نشده است.

واژه‌های کلیدی: قیام کربلا، محمد بن حنفیه، امام حسین(ع).

### محمد بن حنفیه و مخالفت امام حسین(ع) با بیعت با یزید

یزید بن معاویه پس از به قدرت رسیدن، در نخستین اقدام، از حاکمش در مدینه، ولید بن عتبه، خواست تا از مردم مدینه برای خلافت بیعت بگیرد و برای این کار از امام حسین(ع) شروع کند. تمام تلاش یزید این بود که از چند تن از مخالفان بیعت گرفته شود.<sup>۱</sup>

به دلیل کثرت حضور امویان در مدینه، امام حسین(ع) این شهر را ناامن دید و تصمیم بر ترک مدینه گرفت. محمد بن حنفیه موقعی که از قصد امام(ع) آگاه شد به گفت‌وگو با امام(ع) پرداخت. براساس برخی نقل‌ها، وی از امام حسین(ع) خواست تا می‌تواند در بیعت با یزید کوتاهی کند و در این فرصت نمایندگان به شهرهای مختلف بفرستد، اگر توفیقی به دست آورد، اقدام کند؛ در غیر این صورت با ماندن در مدینه مشکلی برای او پیش نخواهد آمد (ابن‌اعثم، ج ۵، ص ۲۲). طبری می‌نویسد:

محمد بن حنفیه به امام(ع) گفت:

ای برادر؛ نزد من از همه محبوب‌تری، هیچ فردی را پند نمی‌توانم بدهم که از تو شایسته‌تر باشد. تا می‌توانی از شخص یزید بن معاویه و شهرها دوری کن؛ آن وقت اشخاصی را نزد مردم ارسال کن و آنان را به طرف خود دعوت کن؛ اگر با تو بیعت کردند، سپاس خداوند گویم، ولی اگر با فرد دیگری بیعت کردند، خداوند به این علت، دین و عقل را نگاهد و از جوانمردی و فضیلت تو کم نمی‌شود. خوف آن دارم که به یکی از بلاد و نزد جمعی از مردم بروی که در بین خویش در مورد تو اختلاف کنند، دسته‌ای از آنها با تو باشند و دسته‌ای دیگر علیه تو باشند و با هم جنگ کنند و هدف نخستین نيزه‌ها شوی و خون فردی را که پدر و مادرش از همه‌ی اشخاص برترند بیهوده بریزند (الطبری، ج ۴، ص ۲۵۳).

امام حسین(ع) در پاسخ او فرمود:

من اگر در جهان هیچ ملجأ و پناهی پیدا نکنم، هرگز با یزید بیعت نخواهم کرد، که

۱. ر.ک: ابوحنیفه احمد بن داود الدینوری، اخبار الطول، تحقیق عبدالمنعم عامر، ص ۲۲۷؛ ابوجعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۵۰-۲۵۱ و عزالدین ابی‌الحسن ابی‌الانیر، الکامل فی تاریخ، ج ۲، ص ۵۲۹.

رسول اکرم (ص) بر آل ابی سفیان نفرین کرده و گفته است: اللهم لاتبارک فی یزید (ابن اعثم، همان، ص ۲۳).

محمد بن حنفیه چون تصمیم امام به خروج از مدینه را دید، به امام پیشنهاد کرد که به مکه رود تا در آن جا ببیند کار مردم به کجا خواهد کشید.

امام (ع) فرمود که او هم همین فکر را دارد. پس از آن وصیتی برای برادرش نوشت و هدف اصلی قیام خود را در آن یاد کرد:

أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيراً وَلَا بَطِيراً وَلَا مُفْسِداً وَلَا ظالِماً وَأَنْمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَسِيرَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. (همان جا و ابن شهر آشوب، ص ۸۹).

بنا به نقل ابوحنیفه دینوری، تمامی اهل بیت امام حسین (ع) همراه وی از مدینه خارج شدند و تنها کسی که بر جای ماند، محمد بن حنفیه بود (الدینوری، ص ۲۰۳). طبق برخی نقل‌ها چون امام حسین (ع) در محمد بن حنفیه تمایلی به همراهی ندید از وی خواست بماند و اخبار مدینه را به او برساند (ابن اعثم، ص ۲۳).

از اخبار دیگر برمی آید که در زمان اقامت امام حسین (ع) در مکه، وی نیز به آن جا آمده و بار دیگر برادر را از رفتن به عراق نهی کرده بود،<sup>۱</sup> وی در مکه با رفتن امام به کوفه مخالفت کرد و حتی به فرزندانش اجازه‌ی همراهی با امام حسین (ع) را نداد (ابن سعد، ص ۶۱).

سید بن طاووس به روایت از امام صادق (ع) می نویسد:

محمد بن حنفیه در شبی که صبح آن امام حسین (ع) می خواست از مکه خارج شود به نزد برادر آمد و او را از رفتن به این سفر نهی کرد و عذر و مکر و پیمان شکنی کوفیان را متذکر شد و گفت: «برادر جان شما می دانید که مردم کوفه با پدر و برادرت مکر کردند و من خوف آن دارم که با تو نیز همان کنند؛ اگر صلاح بدانی در مکه باقی بمان چون تو عزیزترین و ارجمندترین افراد امت هستی.» امام در جواب فرمود: «خوف دارم که یزید بن معاویه به طور ناگهانی مرا در حرم خداوند به قتل برساند و موجب هتک حرمت این

۱. آنچه درباره‌ی گفت‌وگوی محمد بن حنفیه با امام حسین (ع) در منابع کهن و متقدم‌تر آمده، اشاره‌ای به این که گفت‌وگو در مکه و در موقع رفتن به عراق بوده است ندارد. خبری که آمدن محمد را به مکه و گفت‌وگوی او را با امام حسین (ع) نقل کرده در منابع متأخرتر، مانند لهوف آمده است.

خانه شوم». محمد بن حنفیه گفت: «اگر از این امر خوف داری، به سوی یمن یا بیابانی حرکت کن؛ زیرا تو در یمن محترم خواهی بود و هیچ کس به تو دست‌رسی نخواهد داشت. امام فرمود: «در آنچه که گفتی، فکر می‌کنم».

سحرگاه که امام حرکت کرد و این خبر به محمد بن حنفیه رسید، او به نزد امام(ع) آمد؛ مهار ناقه‌ای را که امام بر آن سوار بود گرفت و گفت: برادرم آیا به من قول ندادی که در پیشنهادم فکر کنی؟ امام فرمود: بلی. گفت: پس چرا در رفتن شتاب نمودی؟ فرمود: بعد از آن که رفتی رسول‌الله(ص) به نزد من آمد و فرمود: «ای حسین حرکت کن که خداوند می‌خواهد تو را کشته ببیند».

محمد بن حنفیه گفت: «أنا لله وأنا اليه راجعون. اکنون که با این حالت خارج می‌شوی چرا این زنان را با خود می‌بری؟» امام فرمود: «رسول‌الله به من فرمود: خداوند می‌خواهد آنان را اسیر ببیند.» (ابن طاووس، ص ۱۲۷-۱۳۰).

### دلایل عدم شرکت محمد بن حنفیه در قیام کربلا و نقد آن

بعضی از دانشمندان و علمای شیعی دلایلی را در مقام دفاع از محمد بن حنفیه و توجیه عدم همراهی او با امام حسین(ع) مطرح کرده‌اند که می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. بیماری او در موقع قیام کربلا.
۲. مأموریت داشتن از امام برای ماندن در مدینه.
۳. از قبل مشخص بود که جزء شهدای کربلا نیست؛ چون نام او در لوح محفوظ جزء اصحاب امام حسین(ع) نبود.
۴. مکلف نشدن به همراهی از جانب امام حسین(ع).

#### ۱. بیماری محمد بن حنفیه

از دلایلی که علامه حلی برای عدم حضور محمد بن حنفیه در کربلا در جواب مهنابن سنان آورده است، بیماری محمد در موقع خروج امام(ع) از مدینه است. او می‌گوید: واما تخلفه عن نصره الحسين(ع) فقد نقل انه كان مريضاً (بحارالانوار، ج ۴۲،

ص ۱۱۰). بعضی بیماری او را چشم درد ذکر کرده‌اند (المقرم، ص ۱۳۵).

ناسخ التواریخ می‌نویسد:

محمد بن حنفیه از آن روزی که کاروان امام حسین(ع) از مدینه خارج می‌شد رنجور بود (سپهر، ص ۲۷۴).

از معاصرین هم بعضی مدعی بیماری محمد بن حنفیه در موقع حرکت امام حسین(ع) به طرف کوفه هستند. نویسندگی نهج‌الدموع بدون بیان منابع و مأخذ می‌نویسد:

محمد بن حنفیه در اثر این‌که زرهی را زیادی با دست پاره کرده و به دور افکنده بود، شخصی او را چشم زد و فوراً به درد دست مبتلا گردید و تا آخر عمر مبتلا بود (قرنی گلپایگانی، ص ۲۵۹).

### نقد دلیل اول

نکته‌ی شایان توجه این است که بیماری محمد بن حنفیه را اکثر منابع متأخر شیعی بیان کرده‌اند؛ اما در هیچ‌کدام از این کتب به منابع متقدم ارجاع نداده‌اند. از منابع اولیه به دست نمی‌آید که محمد در موقع حرکت امام(ع) بیمار بوده باشد. اگر او بیمار بود این منابع به این مسئله اشاره می‌کردند، حال آن‌که در هیچ‌یک از روایات مربوط به گفت‌وگوی محمد بن حنفیه و امام حسین(ع) اشاره‌ای به بیماری وی نشده است. در روایتی هم که امام(ع) او را به ماندن در مدینه مختار می‌کند، اشاره‌ای به بیماری او نمی‌کند؛ در حالی که به نظر می‌رسد که اگر محمد بن حنفیه بیمار بود، امام(ع) حتماً اشاره‌ای به بیماری او می‌کرد.

بعضی از منابع از رفتن محمد بن حنفیه به شام در زمان یزید بن معاویه سخن گفته‌اند؛ (البلاذری، ج ۳، ص ۲۷۶ و بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۲۵) ولی اشاره‌ای به بیماری وی نکرده‌اند. اگر او بیمار بود، چگونه می‌توانست این مسیر طولانی را بپیماید؟ بعضی از منابع، زمان بیماری او را موقع ورود بازماندگان اهل بیت(ع) به مدینه بیان کرده‌اند.

مامقانی ضمن نقل بیماری محمد بن حنفیه متذکر می‌شود که وی در زمان حرکت امام حسین(ع) بیمار نبوده و اگر هم بیماری‌ای وجود داشته، مربوط به بعد از شهادت

امام(ع) و بازگشت اهل بیت(ع) به مدینه است. او مدعی است این مطلب از تاریخ روشن است (مامقانی، ص ۱۱۲).

مطلب دیگری که به نظر می‌رسد این است که اگر محمد به علت بیماری از همراهی با امام معذور بود، چرا فرزندان را از این کار بازداشت (ابن سعد، ص ۶۱). او اگر به نحوه‌ی برخورد امام(ع) با یزید کاملاً اعتقاد داشت، نمی‌بایست مانع همراهی فرزندان می‌شد.

## ۲. مأموریت داشتن محمد بن حنفیه برای ماندن در مدینه

عده‌ای در بررسی علل عدم همراهی محمد بن حنفیه، مأمور بودن وی به باقی ماندن در مدینه از طرف امام حسین(ع) را مطرح می‌کنند.

ابن اعثم کوفی نقل می‌کند:

امام(ع) موقعی که می‌خواست از مدینه خارج شود و محمد بن حنفیه نتوانست وی را متقاعد به ماندن در مدینه کند، به محمد بن حنفیه گفت: اما انت یا اخی فلاعلیک ان تقیم بالمدینه فتکون لی عیناً علیهم ولاتتخف علی شیئاً من اورهم؛ (ابن اعثم، همان، ص ۲۳) اگر تو در مدینه مُقام خواهی کرد سهل باشد، تو را هیچ رنجی نرسانند؛ اما باید که پیوسته از احوال و اقوام ایشان با خبر باشی و علی‌التواتر آنچه حادث می‌شود اعلام دهی و از کار یزید و اصحاب او بر من هیچ پوشیده نداری (ابن اعثم، ترجمه مستوفی، ص ۸۳۳).

علامه مجلسی می‌نویسد:

امام(ع) در موقع خروج به برادرش گفت: اکنون عازم مکه‌ی معظّمه گشته و مهبیای این سفر شده‌ام و برادر و فرزندان و برادران و شیعیان خود را با خود می‌برم و اگر تو خواهی در مدینه بمان و از جانب من جاسوس برایشان باش و آنچه سانح شود به من بنویس (جلاء العیون، ص ۵۹۸).

عده‌ای این گفتار امام حسین(ع) را حمل بر مأموریت محمد بن حنفیه کرده‌اند و معتقدند که او از طرف امام(ع) موظف به ماندن در مدینه شده است. منهاج الديموع می‌نویسد:

حضرت سیدالشهدا وصیت‌های خود را به برادرش محمد حنفیه کرد و او را امر به

توقف در مدینه نمود که اوضاع مدینه را به او اطلاع دهد». (قرنی گلیپایگانی، ص ۲۵۸-۲۵۹). نویسنده‌ی ماهیت قیام مختار هم با استناد به این روایت می‌خواهد علت عدم همراهی را به مأموریت داشتن محمد بن حنفیه از جانب امام(ع) ارتباط دهد. او می‌نویسد:

با توجه به این روایت، قضیه حل است؛ زیرا محمد به فرمان امام(ع) در مدینه ماند و همراه امام حرکت نکرد (رضوی اردکانی، ص ۱۷۰).

### نقد دلیل دوم

از فحوای گفت‌وگوی امام(ع) با محمد به دست نمی‌آید که منظور امام واگذاری مأموریتی خاص به محمد بوده باشد که عدم همراهی او را بتوان به آن مسئله ارتباط داد. اساساً امام(ع) نه در مدینه و نه در مکه، کسی از خاندان و اصحابش را مکلف به همراهی نکرد. امام(ع) چون بی‌رغبتی محمد بن حنفیه را در همراهی با خود دید، برای این‌که برایش تعیین تکلیف نکرده باشد و او را در تصمیم‌گیری، مختار گذاشته باشد به او فرمود که اگر می‌خواهی در مدینه بمان و اخبار و گزارش‌ها را برای من بنویس. در واقع اگر محمد همانند برادران دیگرش قصد همراهی امام را داشت، امام(ع) از این مسئله استقبال می‌کرد و بعید بود که باز هم به او پیشنهاد ماندن در مدینه را بدهد. امام یاری و همراهی هیچ فردی از اهل بیت و اصحابش را رد نکرد؛ هم چنان‌که در مقابل، هیچ‌کدام از آنان را مکلف به این کار نکرد.

### ۳. نام محمد بن حنفیه در لوح محفوظ جزو اصحاب امام حسین(ع) نبوده است.

بعضی از نویسندگان معتقدند که از قبل، اسامی شهدای کربلا در لوح محفوظ مشخص بوده است و باید همان افراد معین و مشخص که با امام حسین(ع) در دهم محرم ۶۱ هـ. شهدید شده‌اند، با امام(ع) همراهی می‌کردند. خداوند این تعداد معین را تعیین فرمود و هرکسی صلاحیت و لیاقت آن را نداشته است. مامقانی در تنقیح المقال می‌نویسد:

جواب و پاسخ صحیح (در علت عدم همراهی محمد بن حنفیه) این است که بگوییم یارانی که در کنار امام حسین(ع) به فیض شهادت نایل شدند، این‌ها اشخاصی معین بودند و تعداد آنان هفتاد و دو تن بود که خداوند در تقدیر خود آنان را به شرافت

و موهبت مخصوص مفتخر فرمود و این براساس مصالح تکوینی و اراده‌ی حق بوده است که دیگران به این مرتبه موفق نشدند؛ گرچه ممکن است بعضی از افرادی که به یاری امام نیامدند، خیلی هم عظیم‌الشأن باشند و از بعضی اصحاب حضرتش، مقام بالاتری داشته باشند؛ البته غیر از مقام شهادتی که آنان بدان نایل شدند و به رتبه‌ای دست یافتند که دیگران به آن نرسیدند (ج ۲، ص ۳۸۸).

مستند این افراد در ارائه‌ی این دلیل، گفتار ابن عباس و محمد بن حنفیه است. وقتی ابن عباس به خاطر ترک یاری امام حسین(ع) مورد سرزنش واقع شد گفت:  
ان اصحاب الحسین لم منقصوا رجلاً ولم یزیدوا رجلاً نعرفهم باسمائهم من قبل شهودهم (ابن شهر آشوب، ص ۳۸۸؛ القمی، ج ۲، ص ۳۸۸)؛ اصحاب امام حسین فردی از آنان کم یا زیاد نشدند. آنان را ما با اسم قبل از شهادتشان می‌شناختیم. محمد بن حنفیه هم می‌گوید:

ان اصحابه عندنا لمکتوبون باسمائهم واسماء آبائهم؛ اصحاب امام حسین(ع) در نزد ما با اسامی خود و پدرانشان مشخص بود (همانجا).

### نقد دلیل سوم

در بررسی و نقد این دیدگاه ابتدا باید به این مطلب اشاره کنیم که از مسائلی که در بُعد تاریخی قیام کربلا سهم بسزایی دارد، مسئله‌ی آگاهی امام حسین(ع) از شهادت خویش و یارانش پیش از وقوع آن است. روایات بسیاری وجود دارد که در آنها رسول‌الله(ص) و امام علی(ع) از شهادت امام حسین(ع) و اصحابش خبر داده‌اند.<sup>۱</sup> در این روایات به صراحت یا کنایه و اشاره، وقوع حادثه‌ی کربلا را قبل از تحقق آن خبر داده‌اند.

نکته‌ی مهم در طرح این بحث این است که آیا عنصر آگاهی پیشین در مقام تکلیف تعهدآور است و فرد را از عمل به وظیفه‌ی طبیعی باز می‌دارد؟

پیامبر(ص) و ائمه(ع) در زندگی سیاسی از عنصر آگاهی پیشین استفاده نمی‌کردند و استفاده از عنصر آگاهی پیشین فقط در مقام اثبات نبوت و امامت بوده است و در بقیه‌ی موارد رفتار پیامبر(ص) و ائمه(ع) مطابق ارزیابی موجود بود (جعفریان، ص ۲۰۳).

۱. ر.ک. ابن اعثم: الفتوح، ج ۵، ص ۲۰؛ الطبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۲؛ ابوحنفیه دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۵۳؛ علامه محمدباقر مجلسی: بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۳-۲۹۸.



امام حسین(ع) نیز در حادثه‌ی کربلا با وجود آگاهی از شهادت خویش، در حیات سیاسی خود از آن استفاده نکرد و با ارزیابی اوضاع، براساس تکلیف اقدام نمود. این مسئله برای اصحاب و دیگران هم وجود داشت و آنان موظف بودند براساس وظیفه و تکلیف خویش عمل کنند.

در بین دلایل عدم همراهی محمد بن حنفیه، این دلیل بیش‌تر در معرض نقد است. این توجیه تاریخی، بهانه‌ای شرعی و عقلی برای عدم همراهی عده‌ای در سفر به کربلاست؛ چون برای رجال‌شناسان و صاحب‌نظران شیعی، مثل صاحب تنقیح المقال، مشکل بود بپذیرند که محمد بن حنفیه، شیعه‌ی امامی عادل متقی، در مورد همراهی با حرکت خونین امام حسین(ع) محافظه‌کاری کرده است و در مقام توضیح علت به این دلیل روی آورده‌اند.

این دلیل شاید تا حدودی مشابه عقیده به جبر است که عده‌ای در مقام توجیه جنایت خود در کربلا به آن تمسک نموده‌اند. وقتی ابن مطیع به عمر بن سعد اعتراض نمود که چرا به خاطر حکومتِ ری امام(ع) را به شهادت رساند. وی گفت:

قتل حسین(ع) در تقدیر از آسمان بود و چاره‌ای نداشتیم (ابن سعد، ج ۵، ص ۱۴۸).  
لازمه‌ی پذیرش این دلیل تطهیر تمام کسانی است که امام را یاری نکرده‌اند؛ چون آنان که امام را یاری نکرده‌اند از روز ازل نام آنان در لوح محفوظ جزء اصحاب امام نبوده است.

#### ۴. عدم مکلف شدن محمد بن حنفیه به همراهی از جانب امام(ع)

صاحب تنقیح المقال معتقد است که چون امام حسین(ع) در مدینه یا مکه فردی را مکلف به همراهی نکرده، لذا محمد بن حنفیه در عدم همراهی با امام(ع) مرتکب عملی نشده است که عدالتش را زیر سؤال ببرد. او می‌نویسد: امام حسین(ع) هنگامی که از حجاز به طرف عراق حرکت کرد، خود می‌دانست که به فیض شهادت خواهد رسید، ولی به ظاهر، به قصد جنگ و نبرد مسلحانه حرکت نکرد، تا بر همه‌ی مکلفین واجب نشود که به عنوان جهاد، با او همراه شوند؛ بلکه براساس وظیفه‌ی خود، یعنی به دست گرفتن رهبری ظاهری و پیشوایی مردم، که حضرتش را دعوت کرده بودند، حرکت کرد. در این صورت بر دیگران واجب نیست که با او هم سفر شوند و اگر کسی هم همراهی نکند،

گاهی را مرتکب نشده است. آری گناهکار فردی است که در قیام کربلا و محاصره‌ی امام حسین(ع) در روز عاشورا حضور داشته و با آن‌که از امام تخلف کرده، به یاری حضرتش نشتافته است.

اما کسانی که در حجاز بودند و از همان اول با امام نیامدند، از ابتدا مکلف به حرکت و همراهی با امام نبودند و عدم همراهی آنان تخلف و موجب فسق و گناه آنان نیست. مامقانی پس از بیان این مقدمات می‌گوید:

بنابراین، تعدادی از صالحان و خوبان بودند که در آن هنگام، شرف شهادت برای آنان نوشته نشده بود و در حجاز ماندند و شکی نیست که احدی در عدالت آنان تردیدی نداشته است. پس نیامدن محمد حنفیه و عبدالله جعفر به علت سرپیچی یا انحراف ایشان نبوده است.

امام حسین، قبل از شهادتش به بنی هاشم چنین نوشته است:

من الحسین بن علی الی بنی هاشم، اما بعد، فأنه من لحق بی منکم استشهد معی و من تخلف لم یبلغ الفتح و السلام؛ اما بعد، هرکس از شما با من بود به شهادت رسید و افرادی که با من نیامدند، به درجه‌ی فتح نایل نشدند.

علامه مجلسی بعد از ذکر روایت فوق چنین می‌نویسد:

جمله‌ی «به فتح نایل نمی‌شود.» این احتمال را می‌رساند که امام(ع) دیگران را بین آمدن به کربلا و نیامدن مخیر کرده بود؛ پس چون آمدن آنان امر واجب نبود، بلکه تخییر بود، تخلف از آن، گناه محسوب نمی‌شود (بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۸۱).

نویسنده‌ی کتاب ماهیت قیام مختار با استناد به این روایت و گفتار علامه مجلسی نتیجه می‌گیرد که محمد بن حنفیه مکلف به همراهی با امام نبوده است (ص ۱۶۹).

#### نقد دلیل چهارم

گرچه امام صریحاً افراد را در مدینه یا مکه به همراهی با خود در سفر به کربلا مکلف نکرد، ولی عدم همراهی بدون عذر موجه هم، نمی‌تواند نشان از تبعیت از امام باشد. وقتی امام می‌فرماید: جدم به من فرموده در این راه حرکت کن که خواست خدا در حرکت تو و شهادت و اسارت تو و زنان و فرزندان توست؛ نشان از آن است که این تنها راه موجود برای افرادی است که خود را مطیع و وفادار به جریان امامت امام حسین(ع)

می دانند. جمله‌ی «من تخلف لم يبلغ الفتح» اگر چه افراد را مکلف نمی‌کند، ولی نشان می‌دهد که افرادی هم که امام را همراهی نکردند، به فتح و پیروزی واقعی دست نیافته‌اند. ظاهر روایت زیر هم نشان می‌دهد که راوی، معتقد به تخلف محمد بن حنفیه بوده است:

عن حمزة ابن حمران عن ابي عبد الله (ع) قال: ذكرنا خروج الحسين وتخلف ابن حنفية عنه؛ قال ابو عبد الله (ع): يا حمزة اني ساحتك في هذا الحديث ولا تسأل عنه بعد مجلسنا هذا. ان الحسين لما فصل متوجها دعا بقرطاس وكتب: بسم الله الرحمن الرحيم. (بحارالانوار، همان‌جا).

این که امام صادق (ع) هم در جواب صریحاً اتهام تخلف را از محمد بن حنفیه نفی نمی‌کند و استناد به گفتار امام حسین (ع) می‌نماید که «فانه من لحق بي منكم استشهد معي ومن تخلف لم يبلغ الفتح»، ظاهراً نمی‌تواند نشان از رضایت امام صادق (ع) در عدم همراهی محمد بن حنفیه باشد. خود علامه مجلسی هم معتقد است که ظاهر روایت در مذمت محمد بن حنفیه است؛ وی می‌گوید:

«و ظاهر هذا الجواب ذمه» (همان‌جا).

### جمع‌بندی و نتیجه

عدم حضور محمد بن حنفیه در صحنه‌ی کربلا را می‌توان از دو دیدگاه مختلف بررسی کرد: اول این‌که آیا او مکلف به رفتن شده و بعد تخلف از فرمان امام (ع) کرده است؟ و دوم آنکه آیا لازمه‌ی پیروی محض از امام (ع) و در اختیار ایشان بودن، همراهی امام (ع) در این سفر بوده است، همانند عملی که بسیاری از بنی‌هاشم انجام داده‌اند، یا نه؟ عموم کسانی که درصدد توجیه عدم حضور محمد حنفیه برآمده‌اند از جهت نخست به مسئله نگریسته‌اند. از این زاویه امام (ع) محمد بن حنفیه را مکلف نکرده بود و حتی در اثر بی‌ رغبتی او در همراهی، به او پیشنهاد داده بود که اگر می‌خواهد، می‌تواند در مدینه بماند و اخبار و گزارش‌های لازم را به امام (ع) برساند (ابن‌اعثم، ج ۵، ص ۲۳). از این زاویه چون امام به حسب ظاهر برای جنگ از مدینه یا مکه خارج نمی‌شد، متابعت و همراهی محمد و افراد حاضر در مکه یا مدینه واجب نبود، تا به خاطر عدم همراهی مؤاخذه شوند؛ و آنانی که در کربلا یا مناطق نزدیک آن بودند و امام آنان را دعوت نمود و

می‌توانستند به سیدالشهداء(ع) کمک کنند ولی سرباز زدند، مورد مؤاخذه هستند. پس، براساس این دیدگاه، بعضی از بزرگان بنی‌هاشم، مثل محمد بن حنفیه، ابن‌عباس، عبدالله بن جعفر، عمر بن علی (عمر الاطراف) و عبیدالله بن علی که در سفر کربلا امام را همراهی نکردند، ولی در جبهه‌ی یزید بن معاویه هم قرار نگرفتند، معصیت نکرده‌اند.

اما اگر از جهت دوم به مسئله نگریسته شود، قضاوت متفاوت خواهد بود. ارزش افرادی که امام را از مدینه یا مکه همراهی کردند و تا پایان هم در کنار آن حضرت ایستادند در این نهفته است که آنان بدون مکلف شدن و براساس شناخت و اطاعت و عشق به امام ایشان را همراهی کردند. برادران محمد بن حنفیه، مثل عباس(ع)، عبدالله، جعفر، عثمان، محمد، اصغر (ابوالفرج الاصفهانی، ص ۹۸-۸۶ و شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۶) (ابی‌بکر) که امام را در سفر به کربلا همراهی کردند و با وی به شهادت رسیدند، از طرف امام(ع) مکلف نشده بودند. تفاوت آنان با محمد بن حنفیه یا ابن‌عباس یا جعفر بن عبدالله در این بود که صرفاً از زاویه‌ی ملاحظات خاص، یا فقط براساس تجزیه و تحلیل و آینده‌نگری و اتکا به تجربه‌ی خود به این مسئله نمی‌نگریستند؛ آنان کسانی بودند که نظر امام(ع) را بر تجربه و آینده‌نگری خود مقدم می‌داشتند.

بنی‌هاشم و اصحاب همراه امام(ع) معتقد بودند که امام حسین(ع)، به خاطر خاندان و موقعیتش، حق هدایت و رهبری مردم را دارد و آنان در این راه عاشقانه مطیع و مشتاق بودند تا براساس وظیفه جان خود را فدا کنند. آنان کسانی بودند که همانند امام(ع) می‌دانستند که نیروی نظامی نمی‌تواند عمل و وجدان اسلامی را در آن موقعیت حفظ کند و جامعه نیاز به تکانی سخت و جنبش قلوب و احساسات دارد و این کار تنها از طریق قربانی کردن و تحمل مصائب و رنج‌های فراوان به دست می‌آید.

محمد بن حنفیه و ابن‌عباس و عبدالله بن جعفر، چون از زاویه‌ی افرادی جهان‌دیده به قیام امام حسین(ع) و حرکت به طرف کوفه می‌نگریستند، تلاش گسترده‌ای برای جلوگیری از حرکت امام(ع) به کوفه به عمل آوردند و حتی امام(ع) را قسم دادند که به سوی کوفه و کربلا حرکت نکند و در مقام نصیحت، عرضه داشتند که اگر تو را بکشند نور خدا در زمین خاموش می‌گردد و از امام می‌خواستند که مهلت دهد تا از یزید برای ایشان و خاندانش امان بگیرند (دستی، ص ۶۶۴). این گروه گرچه به حقانیت راه امام

حسین(ع) معتقد بودند، ولی در مسئله‌ی روشِ برخورد با یزید، با امام اختلاف داشتند. برخلاف این دسته، اصحاب و برادران و بنی‌هاشم حاضر در صحنه‌ی کربلا، همانند امام معتقد بودند که در این راه باید حرکت کنند، خواه به سود آنان تمام شود و یا به ظاهر به ضرر آنان باشد.

آن عده از بنی‌هاشم که در عاشورا حاضر بودند، چون با دیدی حسینی به قیام امام(ع) می‌نگریستند، زنان و کودکان را هم با خود آوردند؛ در حالی که محمد بن حنفیه، با نظری متفاوت، نه خود همراه امام آمد و نه به هیچ‌یک از فرزندانش اجازه‌ی همراهی عمومی بزرگوارشان را داد (ابن سعد، ص ۶۱). از زاویه‌ی دوم، محمد بن حنفیه به فتح واقعی دست نیافته است (بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۸۱)، و شاید از این دید این احتمال را بتوان داد که عدم همراهی او با امام حسین(ع) در سفر به کربلا، نوعی تخلف محسوب شود.

### منابع

- ابن الاثیر، عزالدین ابی‌الحسن. ۱۴۰۸ ق، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن اعثم، ابو محمد احمد. ۱۴۰۶ ق، *الفتوح*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن اعثم، ابو محمد احمد. ۱۳۷۲، *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن خلکان، شمس‌الدین محمد بن ابی‌بکر. *وفیات الاعیان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن سعد، محمد. ۱۴۰۵ ق، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار بیروت.
- ابن سعد، محمد. ترجمه الامام الحسین(ع)، تحقیق عبدالعزیز الطباطبائی، قم، مؤسسه آل‌البیت.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه، بی تا.
- ابن طاووس، ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر. ۱۴۱۴ ق، اللهوف علی قتلی الطفوف، تحقیق الشیخ فارس تبریزیان، تهران، دارالاسوة.
- ابوالفرج الاصفهانی، علی بن الحسین. ۱۴۱۹ ق، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. ۱۹۷۷ م، انساب الاشراف، تحقیق محمدباقر المحمودی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ هـ. و دارالتعارف للمطبوعات.
- جعفریان، رسول. ۱۳۸۱، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انتشارات انصاریان.
- دشتی، محمد. ۱۳۷۷، فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
- الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. ۱۳۷۰، اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الشریف الرضی.
- رضوی اردکانی، سیدابوفاضل. ۱۳۷۳، ماهیت قیام مختار ابن ابی عبید ثقفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سپهر، عباسقلی خان. ۱۳۵۷، ناسخ التواریخ، حضرت سجاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر. تاریخ الطبری، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- قرنی گلپایگانی، علی. ۱۳۴۱، منهاج الدموع، قم، کتابفروشی صحفی.
- القمی، شیخ عباس. ۱۴۱۴ ق، سفینه البحار، تهران، دارالاسوة.
- مامقانی، عبدالله. ۱۳۵۲ ق، تنقیح المقال فی علم احوال الرجال، بی جا، مطبعة الحیدریة.
- المجلسی، محمدباقر. ۱۳۴۲، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۳۷۳، جلاء العیون، تاریخ چهارده معصوم، قم، انتشارات سرور.
- مفید، محمد بن النعمان. الارشاد فی معرفة حجج الله علی عباده، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه الاسلامیه، بی تا.
- المقرم، عبدالرزاق الموسوی. ۱۳۹۹ ق، مقتل الحسین(ع)، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.